

گزارش «قاصد کوچک» از آثاری که با حال و هوای معلم و مدرسه روی آنتن رفته است

انعکاس چهره معلم در قاصد جادو

نسل ما با دل نگرانی‌های شکیبه در دبیرستان خضرا، عاشق مدرسه شد و دوندگی‌های این معلم تربیتی با همان رنوی قدیمی که داشت، برای مان جذاب بود. حال و هوای این خانم معلم که پای



در دل بچه‌ها می‌نشست، آن قدر جذاب بود که تا مدت‌ها مدل چادرش برای مان تداعی کننده معلم‌های همان دوران بود. خاطره‌سازی تلویزیون در حوزه معلم و مدرسه با آثار دیگری هم رقم خورده که هر کدام یک بخش از دوران کودکی مان را یادآوری می‌کند. در آستانه روز معلم هستیم و متناسب با این فضا، مروری به برخی سریال‌های خاطره‌انگیز داشتیم که با حال و هوای معلم و مدرسه روی آنتن رفته است.

قصه شیطنت‌های مجید

برای خیلی از ما، قصه‌های مجید با حال و هوای شاگرد پر از شیطنتی به نام مجید، ماندگار شده که هر بار با یک چالش روبه‌رو می‌شد، مجید مثل بقیه دانش‌آموزان نبود و هر بار می‌خواست مشکلاتش را به روش خودش حل کند. تعجب بی‌بی، مادر بزرگ مجید از کارهایی که این پسر نوجوان انجام می‌داد، تناقض و جذابیت‌های این مجموعه را بیشتر می‌کرد. قصه‌های مجید، برگرفته از کتابی با همین عنوان بود که به قلم هوشنگ مرادی کرمانی منتشر شده بود. البته در کتاب قصه‌های مجید، داستان در شهر کرمان روایت شده بود و در این سریال، داستان در شهر اصفهان روایت می‌شد. مدرسه و معلم‌ها از عناصر اصلی این قصه بودند.

یک مدرسه شبانه‌روزی

مدرسه همت را هم باید از جمله مجموعه‌های با محوریت درس و مدرسه دانست. این مجموعه تلویزیونی درباره دانش‌آموزانی است که در یک مدرسه راهنمایی با نام همت به صورت شبانه‌روزی زندگی می‌کنند. این دانش‌آموزان هر بار با ماجرای تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند. کارگردانی این کار در دست رضامیرکریمی بود و از جمله بازیگران اصلی آن می‌توان به مه‌رمان رجبی اشاره کرد که خودش هم روزگاری در قامت معلم فعالیت می‌کرده است. از دیگر بازیگران مدرسه همت می‌توان به مسعود جدی، یدا... حبیبی، مسعود ریاضی، علی رضائی و کاظم سفیدی اشاره کرد.

حال و هوای مادرها در یک مدرسه

مدرسه مادر بزرگ‌ها با آن حال و هوای طنز بازیگران سن و سالدار را یادتان هست؟ سریال مدرسه مادر بزرگ‌ها به کارگردانی غلامرضا رضائی و بر اساس طرحی از مرحوم فرشته طائرپور است که روایتگر به مدرسه آمدن تعدادی خانم میانسال را نشان می‌داد. این خانم‌ها که با معلم جوان روبه‌رو می‌شوند، هر بار یک قصه را رقم می‌زدند. در کنار مادر بزرگ‌ها و خانم معلم و شاگردان مدرسه، یک زن و مرد سرایدار مدرسه بودند و گوشه‌ای از مدرسه زندگی می‌کردند که آنها نیز در نوع خود شخصیت‌های جالبی را خلق کردند. نکته جالب درباره مدرسه مادر بزرگ‌ها این بود که شخصیت‌ها و قهرمان‌های این سریال همه از میان زنان میان‌سالی بودند که توانستند با نوع بازی و شخصیتی که داشتند، مخاطبان را با خود همراه کنند. مخصوصاً نوع گویش و ادای دیالوگ و لهجه‌ای که هر کدام از این افراد داشتند، آنها را به کاراکترهای محبوب و دوست داشتنی تبدیل کرده بود.

باز دیر رسیدم

چهره اکبر عبدی با آن ترس و استرسی که برای رسیدن به مدرسه داشت برای خیلی‌ها خاطره‌ساز شد و جمله همیشگی «باز مدرسم دیر شد» را ماندگار کرد. مجموعه باز مدرسم دیر شد به کارگردانی حسین افصحی محصول سال ۱۳۶۲ بود و اکبر عبدی، نقش یک شاگرد تنبل را در آن بازی می‌کرد که همیشه برای رفتن به مدرسه‌اش دیر شده بود. عبدی پیش از این درباره بازی در این سریال گفته بود که برای نقش آفرینی در این مجموعه ۱۰۰۰ تومان دستمزد می‌گرفته است. شخصیت محسن با بازی اکبر عبدی همیشه برای رسیدن

به مدرسه تاخیر داشت و بازیگوشی می‌کرد. نوع بازی و تکه کلام اکبر عبدی باعث شده بود این مجموعه به یک اثر پرطرفدار تبدیل شود.

آقا اجازه هولم نکن

مبصر چهار ساله کلاس را یادتان هست؟ همان پسر قدبلندی که انگار سنش از بقیه بچه‌های دیگر بیشتر بود و چند سال یک کلاس را گذرانده بود. شعر معروفی که ابتدای هر قسمت با عنوان «آقا اجازه هولم نکن» می‌خواند، آن را به یک خاطره ماندگار برای مخاطبان تبدیل کرده بود. بازی مرحوم حسین محب‌اهری در این مجموعه نمایشی به جذابیت‌های آن افزوده و مخاطبان بسیاری را به سمت آن کشیده بود.

روایتی از ۵ دختر دبیرستانی

آسمان همیشه ابری نیست هم از دیگر مجموعه‌های تلویزیونی با حال و هوای مدرسه بود که روایتگر قصه پنج دختر نوجوان از پنج خانواده مختلف را نشان می‌داد که هر کدام با چالش‌هایی مواجه می‌شدند. در قصه سریال فوق، نسرين یکی از دانش‌آموزان بود که پدرش با مشکلات مالی مواجه می‌شد. زندگی همه دختران در سریال آسمان همیشه ابری نیست، با محوریت دبیرستانی بود که در آن درس می‌خواندند. این مجموعه تلاش می‌کرد با رویکردی اجتماعی زندگی پنج خانواده را از نظر رفتاری و اخلاقی روایت کند



نسل ما با دل نگرانی‌های

شکیبه در دبیرستان

خضرا، عاشق مدرسه

شد و دوندگی‌های این

معلم تربیتی با همان

رنوی قدیمی که داشت

برای مان جذاب بود

که در طول داستان، تبعات رفتار هر کدام از آنها در قالب داستانی اجتماعی و درام به تصویر کشیده می‌شد. تاثیر مدرسه بر رفتار این پنج دختر دبیرستانی از جمله مسائلی بود که توانست این مجموعه را به یک روایت تاثیرگذار از تاثیر مدرسه و خانه بر یکدیگر تبدیل کند.

معلمی در دل روستا

کوبار و روایت معلمی که به روستای رود هم قصه به یادماندنی از مدرسه و معلم بود. این مجموعه یک درام تلویزیونی اجتماعی و داستانی به کارگردانی فریدون حسن پور بود که در بهار

